

تحلیل نمادها در سروده‌های سیاسی، اجتماعی و دینی جواد جمیل

پرویز حیدری فیروزجائی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۰

کتایون فلاحی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۴

لیلا قاسمی حاجی آبادی***

چکیده

کاربرد نماد در شعر معاصر یکی از ویژگی‌های اصلی شاعرانی است که با چند لایه کردن زبان خود بر زیبایی اشعار خود می‌افزایند، و روشی است که شعراء قادرند از آن برای الهام‌بخشی و انتقال پیام‌شان استفاده نمایند. در این میان ادبیات متعهد عربی از این ویژگی و ظرفیت هنری بهره جسته است و شاعران متعهد از جمله جواد جمیل شاعر معاصر عراقی در مجموعه اشعار خود، با استفاده از نمادها با خلق تصاویری زیبا و بدیع، زبان رمز را برای سروده‌های دینی و سیاسی-اجتماعی خود برگزیده‌اند. جواد جمیل با توجه به حاکمیت فضای اختناق و نیز به دلیل پرهیز از صراحت‌گویی، تعبیراتی رمزگونه در شعرش به کار برده است. او برای بیان مقاصد و مفاهیم مورد نظر شعر خود به زبان رمزی پناه می‌برد و در این راستا انواع نمادها را استفاده می‌کند تا مفاهیم خود را تصویری کرده و در ذهن مخاطب جای دهد. داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسناد و مطالعه آثار شاعر و روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی است. **کلیدواژگان:** جواد جمیل، مضامین دینی و سیاسی، تحلیل ساختاری، شاعر معاصر عراقی.

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. ktu.fallahi@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

مقدمه

ادبیات آئینه تمام‌نمای اندیشه‌ها، خواسته‌ها و آرمان‌های یک ملت و جامعه است. ادبیات هر عصری بازتاب فضای ویژه آن عصر می‌باشد. قرن بیستم، شرایط زندگی پیچیده‌ای را برای انسان معاصر به وجود آورد و شاعر معاصر را با تجربه‌های شخصی و جمعی متفاوتی روبه‌رو کرد. هماهنگی شاعر با مقتضیات زمان و نیازهای روز، تأثیرات بنیادی بر شعر معاصر به جای نهاد. گرایش به بیان غیر مستقیم به جای تعبیر واضح از بارزترین ویژگی‌های شعر معاصر عربی است و شاعران معاصر به ویژه *جواد جمیل* برای رسیدن به این هدف از ابزارهای گوناگون بهره می‌برد. گاهی صورت‌های بیانی رمزها و نمادها در قالب کنایه و استعاره بیش‌تر جلوه می‌کند و گاه بسته به اوضاع تاریخی و فرهنگی در اشکال بیانی ساده‌تر و روان‌تری خود را نشان می‌دهند. بکارگیری نماد، شیوه‌ای اختصارگونه است که با یک کلمه می‌توان دنیایی از مفاهیم ارائه داد چنانکه نام حسین یک دریا معرفت و مفهوم در خود گنجانده است. نکته قابل توجه در شعرهای *جمیل*، استفاده از نمادهای نو و ابتکاری در مفاهیم جدید است. تناسب این نمادها با فضای شعر و تصویرپردازی شاعر نیز قابل تأمل است. شاعر برای رعایت مؤلفه‌های ادبی و در امان ماندن از پیگردهای حکومت، بخشی از پیام‌های خویش را در اشعارش به زبان نمادین عرضه کرده است. نمادهایی که برگرفته از طبیعت، مکان و زمان، شخصیت‌ها و ابزار می‌باشد. او با توجه به اوضاع پیرامونی و اختناق حاکم، از این نمادها برای بیان درد و رنج مردم عراق و اندیشه‌های پایداری خود بهره برده است. بنابراین، *جواد جمیل* که در شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی زیسته است، با بکارگیری عناصر نمادین با زبان شعر، ناخشنودی خود را نسبت به اوضاع حاکم و نظام سیاسی اعلام و اندیشه‌های انقلابی خود را با اشعار اعتراضی و مقاومت و با مضامین سیاسی و حسینی بیان کرده است.

پیشینه پژوهش

نرگس انصاری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر - نقد و تحلیل شعر عراق، مصر و لبنان» با نگاهی به وضعیت شعر متعهد و عاشورایی در سه کشور عراق، مصر و لبنان به معرفی شاعران برجسته در

هر کشور و تحلیل آثار شاعران و نوع نگاه آن‌ها به امام حسین(ع) و عاشورا پرداخته است. کبری روشنفکر، سجّاد اسماعیلی و مرتضی زارع برمی(۱۳۹۰) در مقاله‌ای به نام «درونمایه‌های مقاومت در شعر جواد جمیل با تأکید بر دفتر شعری "أشیاء حذفها الرقابة"» با اشاره به اینکه ادبیات مقاومت در عراق، واکنشی به حاکمیت استبداد بوده به بررسی درونمایه‌های مقاومت در اشعار جواد جمیل پرداخته است.

شریف عسکری، محمد صالح، صغری فلاحتی، حامد صدقی و مرتضی زارع برمی(۱۳۹۵) دانشگاه خوارزمی) در پایان نامه‌ای تحت عنوان «تحلیل تطبیقی شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق و ایران با تأکید بر اشعار شش شاعر: حسن السنید، مظفر النواب، بشری البستانی، سیاوش کسرایی، خسرو گل‌سرخ و طاهره صفارزاده» با اشاره به این شش شاعر به عنوان شاعران اعتراض در دو کشور عراق و ایران نوشت: آن‌ها با خلق مجموعه‌های شعری متعدد، وظیفه ثبت جریان مبارزه و تهییج نیروهای بالنده اجتماعی بر ضد دیکتاتوری و استبداد را بر عهده گرفتند و به نفی تقسیم بندی‌های سیاه و سفید در عراق و ایران و سایر کشورها پرداختند. در این رساله به تحلیل عناصر اعتراض در اشعار شاعران مورد نظر در سه حوزه درونمایه‌ها، نمادها و مختصات نوشتار مردانه و زنانه پرداخته شده است. مرضیه محمدزاده(۱۳۸۳ش) در «دانشنامه شعر عاشورایی» به سروده‌های دینی جواد جمیل در رثای امام حسین(ع) پرداخته شد.

تجلی نماد در شعر جواد جمیل

نماد بیان کننده کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله موضوعات جزئی است اما این موضوعات و تصاویر جزئی خیالی، زنده و جاندارند که ذهن را تسخیر می‌کند(فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

قرن بیستم، شرایط زندگی پیچیده‌ای را برای انسان معاصر به وجود آورد و شاعر معاصر را با تجربه‌های شخصی و جمعی متفاوتی روبه‌رو کرد. هماهنگی شاعر با مقتضیات زمان و نیازهای روز، تأثیرات بنیادی بر شعر معاصر به جای نهاد. بسیاری از نمادها در طی زمان، کارکرد تصویری و معناآفرینی خود را از دست می‌دهند و به دلیل کاربرد فراوان در فرهنگ و ادبیات یک ملت یا در ادبیات جهان به یک مفهوم قراردادی تبدیل می‌شوند. کاربرد نماد در شعر معاصر یکی از ویژگی‌های اصلی شاعرانی است که

با چند لایه کردن زبان خود بر زیبایی اشعار خود می‌افزایند و روشی است که شعراء قادرند از آن برای الهام بخشی و انتقال پیام‌شان استفاده نمایند. در این میان ادبیات متعهد عربی از این ظرفیت هنری بهره جسته است و شاعران متعهد از جمله *جواد جمیل* در مجموعه اشعار خود، با استفاده از نمادها با خلق تصویرهایی زیبا و بدیع، زبان رمز و نماد را برای آثار دینی و سیاسی خود برگزیده‌اند. او با توجه به حاکمیت فضای اختناق و نیز به دلیل پرهیز از صراحت‌گویی، تعبیراتی رمزگونه در شعرش به کار برده است. شاعر برای بیان مقاصد و مفاهیم مورد نظر شعر خود به زبان رمزی پناه می‌برد و در این راستا انواع نمادها را به کار می‌بندد تا مفاهیم خود را تصویری کرده و در ذهن مخاطب جای دهد. در این پژوهش برای هر نمادی یک شاهد مثال اکتفا شده است.

نمادهای طبیعی

طبیعت و هر آنچه در آن است، منبع الهام شاعران در بکارگیری رمز است. *جواد جمیل* با استعانت از عناصر طبیعت، آن‌ها را نمادی برای بیان مفاهیم و اندیشه‌هایی که در سر دارد، قرار می‌دهد. از نگاه او اشیاء بی‌جان، جان می‌گیرند و سخن می‌گویند.

شب

شب، نماد استبداد، بیداد، تباهی، شقاوت، جهل و بی‌خبری است (ابوحاقه ۱۹۷۹: ۵۱). شب در شعر *جواد جمیل*، نماد سکون، سکوت، ناامیدی و افسردگی است. شاعر در این باب چنین سروده است:

مَنْ قَالَ إِنَّ اللَّيْلُ هَذَا صَهِيلُ الْخَيْلِ
قَدْ دَفَنَ الْوَادِي؟
يُعلنُ مِيلَادِي

(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۳۱)

- چه کسی گفت که تاریکی شب، درّه (کشور عراق) را در بر گرفت؟ این شیبه اسب‌ها است که تولدم را اعلام می‌کند

شب در اینجا نماد ناامیدی است و شاعر ضمن استفاده از کلمه شب، معتقد به آینده‌ای روشن است.

باران

باران، نماد اثرات آسمانی بر روی زمین و زندگی دوباره و نشانه رحمت و حکمت است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۱۷/۲-۱۸). جمیل با ارائه تصاویری عینی و ملموس از نماد باران استفاده نموده و به بیان عواطف و حقایق انتزاعی از این نماد پرداخته است. در شعر زیر با استفاده از کلمه باران خواستار فضل و رحمت الهی برای سرزمین گرفتار عراق شده است:

فَصَاحُ : يَا امْطَارَ هَذَا الْأَفْقِ الْمَسْلُوبِ / مَرَى عَلِي خَيْمَتِنَا

(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴)

- فریاد زد: ای باران این آسمان مسلول و بیمار/ بر خیمه ما گذری کن

آب

معانی نمادین آب را می‌توان در سه مفهوم اصلی خلاصه کرد: چشمه حیات، وسیله تزکیه و پاکی و مرکز زندگی دوباره (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۳/۱). نماد آب از تصویرپردازی‌های سمبلیک جواد جمیل می‌باشد. او در اشعارش به کاربرد آب، گاه در معنای اصلی و گاه در معنای نمادین خود استفاده کرده است. شاعر، آب را در چهره گنجشک سفیدی ترسیم می‌کند که گرگ‌های درنده‌خو و انسان‌نما بر آن تسلط یافته‌اند.

كَانَ لِلْمَاءِ وَجْهٌ عَصْفُورَةٌ بِيضَاءٍ
أَغْرَى الْوَادِي عَلَيْهَا الذَّنَابَا

(جمیل، ۱۹۹۶: ۴۳)

- در آب، سیمای گنجشکی سفید بود که گرگ‌های بیابان بر ضد او بودند

در این بیت، شاعر آب را نماد چشمه حیات دانسته، چشمه‌ای که سیمای گنجشک سفید (مردم و مبارزان عراقی) در آن نمایان است.

گل

گل، نماد عشق و ایثار، نماد عاطفه و نماد زندگی و وطن است (پیشوایی علوی، ۱۳۹۵: ۱۶۳). جواد جمیل نیز در مجموعه شعری خود از واژه گل به نیکی استفاده کرده است. او در شعر «البرتقال والحجر» گل را نماد کمال معنوی می‌گیرد:

خلف دُمی یسکن وردُ وقمر
وخلف عینی قاتلی
یسکن ذئبُ
وتماسیحُ وأشباحُ آخر

(جمیل، ۱۹۹۱: ۲۱)

- پشت بُت‌های بَزک شده، گُل و ماه ساکن هستند/ و پشت چشم‌ام، قاتل‌ام مستقر است/ گرگ و تمساح‌ها و ارواح دیگر زندگی می‌کنند
شاعر در این ابیات از کلمه گُل، به عنوان نماد وطن و عراق استفاده نموده و گفته است؛ در وطن‌ام، بُتی ساختگی ساکن است که خوی گرگ و تمساح دارد

درخت

درخت به دلیل تغییر دایمی، نماد زندگی است. مظهر قائمیت، هم‌زیستی، وحدت، رشد و قدرت فزاینده است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۱۸۷/۳). جواد جمیل بیش‌تر در شعرهای دینی خود از نماد درخت استفاده می‌کند:
رافقتُهُ الأشجارُ فی رحلة الذبیحِ
ومرت علی خطاهُ السنابلِ

(جمیل، ۱۹۹۶: ۹۴)

- درختان، او را در سفر قربانی شدن، همراهی کردند و سنبل‌ها از کنار گام‌هایش گذشتند
شاعر در این بیت، خانواده و فرزندان/امام حسین(ع) را به عنوان نماد درختان ذکر می‌نماید. بنابراین در این ابیات، تداوم حیات و باروری را برای مخاطب تداعی می‌کند

جنگل

جنگل نماد ریشه گرفته و شکوه است و در اشعار جمیل، بیش‌تر نماد ملت عراق است که با دست خالی آماده قیام هستند (صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۱). شاعر در قصیده «أشیاء عن بغداد» با بهره‌گیری از عنصر طبیعت همچون جنگل که برگ‌هایش

خزان گشته، حسّ غم و رنج دوران بیداد را در اشعارش می‌دمد و خطاب به بغداد می‌گوید:

أسمعك التَّغْرَبَ في حكاياتي
وأسمعُ دقةَ القلبِ
كأنَّغامٍ تذوبُ، تذوبُ
وسطاً حفيفِ غاباتٍ

(السنید، ۱۹۸۸: ۳۴)

- شگفتی‌های سخنان‌ام را به گوش تو می‌رسانم / و صدای تپش قلب را می‌شنوم / همچون نغمه‌هایی که میان خش خش جنگل‌ها، ذوب می‌شود

غار

غار نماد دنیا، جای رنج و مکافات، محلی برای به زنجیر کشیدن بشر و پناهگاه افراد است. درهای دوزخ در آن قرار دارد (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۳۳۳/۴). غار در نگاه شاعر، نماد دنیا، رنج، مکافات و نشانه عراق استبداد زده می‌باشد.

شاعر از نماد غار در بیتی به عنوان زندان و عراق مظلوم بهره می‌برد:

سمعتُ نشيدكِ الآتي
مِن المَدنِ، مِـن كهوفِ الصمتِ
مِـن ذاتي

(جمیل، ۱۹۸۸: ۳۳)

- ای بغداد، سرود آینده‌ات را از شهرها، از غارهای سکوت و از درون‌ام شنیدم

باد

نمادگرایی باد چندین وجه دارد: به دلیل انقلاب درونی‌اش نماد بی‌ثباتی، ناپایداری، و عدم استحکام است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۶/۲). شاعر با استفاده از نماد باد چنین می‌سراید:

الريحُ قافلةٌ وصرختُها

جَرَسٌ وَهَذَا الْكُونُ صَحْرَاءُ!

(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۷)

- باد مانند کاروانی است و صدای آن مانند صدای زنگ آن کاروان می باشد و این جهان مانند بیابان است
باد در این بیت، نماد حرکت، قیام و زندگی مردم عراق است؛ چراکه در درون اش ناپایداری و بی ثباتی نهفته است

نماد جانوران

جانوران از عناصر طبیعت به شمار می آیند که همواره جواد جمیل در اشعار خود از آن‌ها استفاده کرده است تا عواطف و احساسات درونی خویش را نسبت به حماسه و اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق بیان کند و پیام آن را به مخاطب امروز برساند. جمیل هنگام انتقاد از اوضاع کشور عراق و رژیم بعثی، بیش تر از حیوانات و پرندگان و دیگر جانوران به صورت نماد استفاده می کند.

سگ و مگس

در عرف جوامع اسلامی، سگ را کثیف ترین صورتی می دانند که در خلقت پدید آمده است؛ نماد ولع و شکم بارگی است. جنون همیشه به شکل یک سگ سیاه ظاهر می شود. پارس سگ، هشدار مرگ است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۶۱۱/۳). مگس، نماد سماجی دائمی و نشانه دروغ، چابکی و بی مصرفی و پرادعایی است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۲۹۲/۵). جمیل در شعری با توجه به فشارهایی که از سوی رژیم عراق بر وی تحمیل شد، زبان به شکایت باز می کند و خود را فردی غریب و متعلق به شهری می داند که در آنجا ارزشی برای شاعران و ادیبان قائل نیستند:
وَأَنَا مِنْ بَلَدٍ يَعْتَبِرُ الشَّاعِرُ كَلْبًا أَوْ ذَبَابَةً

(جمیل، ۱۹۸۸: ۵-۶)

- و من از دیاری هستم که در آن، شاعر همچون سگ یا مگسی است

جمیل در شعر خود از دو کلمه (سگ و مگس) با هم در جهت انتقال معنای مورد نظر خویش استفاده کرده است.

گنجشک

نماد افراد تحت تعقیب و کودکان، فرد مبارز، نماد رامش‌گر عشق و آزادی و آزادی خواهی است (پیشوایی علوی، ۱۳۹۵: ۱۶۴). شاعر از نماد گنجشک به عنوان انسان مبارز و جان بر کف یاد می‌کند و می‌گوید:

كَانَ لِلْمَاءِ وَجْهٌ عَصْفُورَةٌ بِيضَاءِ
أَغْرَى الْوَادِي عَلَيْهَا الذَّنَابَا

(جمیل، ۱۹۹۶: ۴۳)

- در آب، سیمای گنجشک سفیدی بود که گرگ‌های بیابان بر ضد او بودند (دنبال او بودند)

پروانه

همانگونه که پروانه به مرگاش در شعله آتش شتاب دارد همانگونه آدمی به جست‌وجوی حرمان می‌رود. پروانه نماد آتش خورشیدی است به همین دلیل نماد روح جنگجویان است. در روان‌شناسی جدید در پروانه، نماد زندگی دوباره را می‌بینند (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۲۰۹/۲).

پروانه در اشعار جواد جمیل، نماد، روح رها شده از جسم و روح جنگجوی قهرمان و شهادت طلبی است. او از این نماد در قصیده «الرؤيا السادسة» به عنوان روح بلند و نورانی نام برده است:

ووجهه فراشة
حَطَّتْ عَلَى بَوَابِ الْعَذَابِ

(جمیل، ۱۹۹۶: ۲۶)

- و چهره‌اش مانند پروانه‌ای است که بر دروازه عذاب فرود آمد

گرگ

گرگ یکی از حیوانات درنده است که اهلی کردن آن غیرممکن می‌باشد. در ادبیات، این حیوان، نماد درندگی و تجاوز است؛ لذا شاعر برای توصیف فجایع و جنایات مخالفان / امام حسین(ع) در کربلا با آوردن نام این حیوان، خشم و نفرت خود را نسبت به آن‌ها ابراز کرده است و از آنجائی که این حیوان با هم‌نوعان خود به صورت دسته جمعی به حیوانات دیگر حمله‌ور می‌شود؛ شاعر کلمه "ذئب" را برای بیان درنده خویی و مرگ و ویرانی و به تصویر کشیدن چهره یزیدیان در حادثه کربلا، استفاده کرده و در سروده‌هایش از مفهوم نمادین گرگ بهره گرفته است. شاعر جنایات ظالمان و کشتار مظلومین توسط یزیدیان را در صحنه کربلا با این نماد بیان نمود:

جلدُ أفعی و جهی و خلفُ عُیونی

ذئبَةٌ فی أواخرِ اللیلِ تعوی

(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۰۶)

- چهره ام همچون پوست افعی است و در پشت چشم‌هایم گرگی است که در پایان شب زوزه می‌کشد

این بیت در توصیف عمر بن سعد فرمانده لشکر اموی آمده است؛ کسی که رؤیای خلافت ری را از سوی یزید بعد از شهادت / امام حسین(ع) در سر داشت؛ رؤیایی که هرگز تعبیر نشد. زوزه گرگ نماد بی ثمری سازش و سکوت است.

گرکس (لاشخور)

نماد انعطاف ناپذیری و سنگدلی است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۲۹۷/۴). عبارت "نسور اللیل" به معنای لاشخورهای شبانه است. شاعر از این نماد برای تصویرسازی و ملموس‌تر کردن اندیشه‌های خود بهره جسته است.

شاعر، رفتار وحشیانه رژیم بعثی و صدامی را در حق مردم عراق به مثابه رفتار گرکس‌ها تشبیه کرده که آرامش و امنیت مردم عراق را مختل ساخته است و با استفاده از نماد "نسور" اعمال ددمنشانه این رژیم را به تصویر کشید:

ونسورُ اللیل

تَمُدَّ مَخَالِبُهَا الْمَعْقُوفَةُ فِي عُمُرِي

(جمیل، ۱۹۸۸: ۱۳۰)

- و لاشخورهای شبانه/ چنگال‌های کج خود را در جان‌ام فرو می‌برند

عقرب

عقرب یادآور گریز از نور، زهر، ظلمت، و رنج‌های زندگی است که به پوچی، نیستی و مرگ می‌انجامد (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۳۰۳/۴). کلمه "عقرب" در نگاه شاعر بیان‌گر ماهیت پلید و خوی ناجوانمردی و سمبلی برای حاکم ظالم عراق است که به مردم بی‌گناه هجوم آورده و آن‌ها را نیش زده و از بین برده است.

إِذَا مَا جَالَ فِي شَرِيَانِكِ الْعَقْرَبُ

وَلَا تَغْضَبْ

(جمیل، ۱۹۸۸: ۹۸)

- وقتی که (زهر) عقرب در خون تو جاری گشت/ خشمگین و برافروخته نشو

ملخ

ملخ، تصویر بلا، آفت و سپاهی از مهاجمان و ویران‌گران است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸: ۲۹۵/۵). ملخ نماد بعثیان است که سبب آشوب، بی‌نظمی و ویرانی عراق گشته‌اند (صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۳). کلمه "الجَرَاد" به معنای ملخ است. از نظر شاعر، نماد دشمنی‌ها و گرفتاری‌ها و در مجموع نیروهای شری است که بر زمین و انسان‌ها وارد می‌شوند. شاعر در یکی از سروده‌های خود، ملخ را عامل بلا، آفت و ویران‌گری دانسته که سبب بدبختی در عراق شده است و علاوه بر این به جاسوسی و ایجاد خفقان در مردم و نبود آزادی بیان اشاره دارد:

الْمُخْبِرُونَ جَرَادًا

تَوَزَّعُوا فِي الزَّوَايَا

يُرَاقِبُونَ الْحَنَاجِرَ

(السنید، ۱۹۸۸: ۸۰)

- جاسوسان مثل ملخ / در هر کنجی پراکنده‌اند / مراقب حنجره‌ها هستند

تمساح

تمساح، تصویر یورش ناگهانی، طبیعتی شرور، دهشت انگیز به مثابه قضا و قدر، شکم‌باره و بیش از آن نماد دورویی، ریا، مرگ و تاریکی‌ها است (شوالیه و آلن گرابران، ۵۵۰/۴).

تمساح از نظر شاعر، نماد مأموران امنیتی و قاتلان و مزدورانی است که ناگهان بر معترضان یورش می‌برند:

هل رأیتم أكفَّ التماسيح
تطرقُ أبوابنا الصامدة

(السنید، ۱۹۸۶: ۱۵)

- آیا دستان تمساح‌ها را دیده‌اید / که درب‌های محکم و پایدار ما را می‌کوبیدند
جمیل در این شعر با استفاده از کلمه تماسیح، تصویری خشن از تفتیش‌کنندگان رژیم بعثی عراق به نمایش می‌گذارد.

عنكبوت

عنكبوت نماد مسدودکننده راه نور و هدایت است (حیدریان شهری، ۱۳۹۶: ۷۳).
عنكبوت تارهای خود را در هر گوشه‌ای می‌تند و کم‌کم دایره‌اش را گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌کند و آرامش انسان را به هم می‌زند که شاعر به خوبی از این نماد بهره برده است. جمیل نگاه خود را نسبت به رفتار حاکمان و مزدوران صدامی و ملموس کردن اعمال آن‌ها با استفاده از واژه "عنكبوت" به تصویر می‌کشد:

أنا أخشى أن يلعق الذئب أحلامی
ویرفو جراحی العنكبوت

(جمیل، ۱۹۹۶: ۹۹)

- من می‌ترسم که گرگ، رؤیاهای مرا به کام کشد و عنكبوت زخم‌های مرا ببندد

نماد رنگ

هر شاعری به طور خودآگاه و ناخودآگاه برای نگارگری اشعار خود دست به انتخاب رنگ می‌زند که طبیعت‌گرایی شاعران، گرایش به رنگ را بالا می‌برد. دنیایی پیچیده که ارتباط آن با روح انسانی، ارتباطی عمیق و شگفت‌آور است (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۲۶). کاربرد رنگ‌ها در اشعار جواد جمیل از جمله ویژگی‌های زبانی می‌باشد که در خدمت تصویرپردازی شاعر قرار گرفته است. او با شناخت تأثیرات روحی و روانی رنگ‌ها و با آگاهی از آن‌ها، تصاویر زیبا و نو ایجاد کرده است و حتی گاهی از عنصر رنگ برای بیان مفاهیم خیالی و غیر قابل بیان استفاده می‌کند.

رنگ آبی

آبی نماد حقیقت، ثبات و صلح است (کوپر، ۱۳۹۱: ۱۷۸). جمیل از این نماد برای کشور عراق استفاده کرده است. همچنین او از رنگ آبی به عنوان نماد آرامش، روح آرام و یک‌رنگی در شعر بهره گرفته و چنین سروده است:

خنانیک.. ما عاد للطين معنی

ولا البحر أزرق

(جمیل، ۱۹۹۶: ۶۹)

- توجه کن... چراکه هنوز گل، معنای خود و دریا، رنگ آبی را نیافته است

رنگ قرمز

رنگ قرمز، نماد پیروزی است. ادراک حسی آن به صورت میل و اشتها ظاهر می‌شود. محتوای عاطفی آن آرزو و آمال است (لوشر، ۱۳۸۴: ۸۷).

این رنگ، بیان‌کننده حرکت و حماسه‌آفرینی است و بارزترین مفهوم نمادینی که شاعر از این رنگ الهام گرفته، مفهوم شهادت و مبارزه و مرگ مقدس است که بیت زیر، آن را به تصویر کشیده است:

هكذا صارت الشمس في رمشه تتكسر

هكذا صار ظل الحسين

علی الماءِ أحمر

(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۲)

- اینگونه خورشید در دیدگان او شکست و اینگونه سایه حسین(ع) بر آب، سرخ گردید

رنگ سیاه

این رنگ در روان‌شناسی بیان‌گر پوچی، ترک‌علاقه، تسلیم و انصراف نهایی است (لوشر، ۱۳۸۴: ۹۷).

شاعر از این رنگ برای نمایان کردن فضای ذهنی نسبت به دشمنان/امام حسین(ع) در روز عاشورا استفاده کرده است.

فی کَفِّهِ الشَّوْهَاءُ

غَمَامَةٌ مَجْدُورَةٌ

وَحَفْنَةٌ مِّنْ مَطَرٍ سَوْدَاءُ

(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۰۸)

- در دستان زشت او، ابری آبله‌گون و مُشتی از باران سیاه وجود داشت در این سروده، مرجع ضمیر او، مالک بن النسر است کسی که به امام حسین(ع) در لحظات آخر شهادت‌اش در حالی که در حالت احتضار بود، اهانت کرد.

رنگ خاکستری

خاکستر، در ادبیات، نماد بازمانده جسم است که پس از خاموشی آتش باقی می‌ماند و با دیدی آخر الزمانی، خاکستر نماد پوچی زندگی بشری به دلیل ناپایداری این زندگی است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۷: ۱۴/۵۶). جواد جمیل از انواع اصلی رنگ‌ها در سروده‌های خود استفاده کرده است اما آنچه حائز اهمیت است، بسامد زیاد استفاده از رنگ خاکستری است. این رنگ در نگاه جواد جمیل، نشانه پلیدی روزگار و آمیختگی ریا و نیرنگ با درون غالب مردم دوره امام حسین(ع) است:

لَيْسَ فِيهِ سِوَى غَمُوضٍ رِمَادِيٍّ

وما خَبَّتْ عیونُ الضَّحیَّةِ

(جمیل، ۱۹۹۶: ۲۱)

- در آن (عراق) جز پیچیدگی‌های خاکستری رنگ و آنچه چشمان قربانیان پنهان کرده‌اند، وجود ندارد

رنگ سبز

رنگ سبز، رنگ سلطنت گیاه است و سبزی آن از آب‌ها به دست می‌آید. بیداری زندگی است. رنگ امید، نیرو و جاودانگی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۳/ ۵۱۷). این رنگ، نماد بیداری و زندگی است و در فرهنگ اسلامی، رنگ مقدس است. شاعر از این رنگ به عنوان نماد آرامش، و رهایی از فضای خفقان‌آور و نماد مقدس / امام حسین (ع) نام برده است.

جمیل در شعری رنگ سبز را مفهوم زندگی جاودانه به دست آمده از مرگ خونین مجسم کرده که سایه سبزرنگ‌اش بر روی شن‌های خونین و سرخ‌رنگ بیابان نقاشی شده است:

ورأینا ظلَّه الأُخضرَ
منقوشاً علی الرَّمْلِ المدَمَّی

(جمیل، ۱۹۹۶: ۴۰)

- سایه سبزرنگ‌اش را دیدم / در حالی که بر شن خونین نقش بسته بود

رنگ سفید

رنگ سفید مقابل سیاهی و تاریکی است. خیمه سفید، نماد و نوید پناهگاهی امن و روزهایی خوش است (صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۳). جمیل در شعری از این رنگ در به تصویر کشیدن پاکی و آراستگی / امام حسین (ع) استفاده کرده است:

کانَ لِلْماءِ وَجَهُ عصفورَةٍ بیضاءَ
أغرَى الوادئِ علیها الذُّبابا

(جمیل، ۱۹۹۶: ۴۳)

- در آب، سیمای گنجشکی سفید بود که گرگ‌های بیابان بر ضدّ او بودند(دنبال او بودند)

نمادهای مکانی

نمادهای مکانی در شعر یکی از شیوه‌های ارتباط و انتقال مفاهیم است؛ چراکه واژه‌های مکانی تداعی‌کننده معانی و تصاویر متعددی هستند که موجب برانگیخته‌شدن واکنش‌های عاطفی و احساسی گوناگون در خواننده می‌شود. این نمادها به عنوان عنصری سمبولیک از گستره کاربردی بالایی برخوردار است و همواره در ذهن و تخیل شاعر تأثیر داشته است.

۱. کربلا

کربلا نمادی است برای آفرینش حماسه‌ای بی نظیر در دنیا، نماد اجرای احکام رسول خدا(ص) و نپذیرفتن ذلت(جعفری، ۱۳۹۵: ۶۳). کربلا در دنیای نمادی، نپذیرفتن ذلت و همچنین سمبل، عاشورا و قیام/امام حسین(ع) است. شاعر در مجموعه شعری «الرؤیا الحادیة عشرة» از مکان کربلا یاد می‌کند و چنین می‌سراید:

القمرُ المخبوءُ

غادرَ کربلاءَ ذاتَ لیلة

وضوءُهُ محنطٌ.. ووجهُهُ مفقوء

(جمیل، ۱۹۹۶: ۳۸)

- ماه پنهان/ شبی کربلا را ترک کرد/ و نورش پنهان/ و چهره‌اش شکافته شده است

۲. فرات

رود فرات، نماد عراق و حس تعلق مکانی شاعر است(صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۰). اشعار عاشورایی شعرا با رود فرات پیوند خورده است. فرات ارتباطی است با واقعه کربلا و عاشورا و شهادت/امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع).

عائذُ والفراتُ رحیل

(جمیل، ۱۹۹۶: ۲۳)

- باز می‌گردم در حالی که فرات جاری است و می‌رود

بغداد

بغداد، تصویر قتل، توحش بعثیان، سکوت، سرکوب، سرخوردگی، و مرگ است (صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۷). جواد جمیل با یادآوری شهری که در تلفیق مفاهیم معنوی و مادی دارای تمدن‌های ایده‌آل بوده است به نوعی با اسلوب نوستالژیک، مخاطب را به تهییج و تحریک در قبال آن آرمانشهر برانگیخته و از طرفی جامعه در حال جمود و زیر سلطه بی‌عدالتی را به تصویر کشید. شاعر هنگامی که از وطن استبداد زده می‌سراید، بیانی نمادین و احساسی دارد. شاعر در یکی از سروده‌های خویش چنین سروده است:

إذا ما زيفوا بغدادَ
وصارت كالسبيّةِ
ولا تعجب إذا حفروا المقابرَ
وأنّ حروفنا الحمراء
تبقى حين يمحي كلُّ ما يكتبُ
ويبقى النخلُ ينتظرُ السماء

(جمیل، ۱۹۸۸: ۹۷-۹۸)

- زمانی که بغداد را خوار و تحقیر کردند/ و مانند اسیر گشت/ و وقتی که قبرها را کردند، تعجب نکن/ حرف‌های سرخ ما/ باقی می‌ماند زمانی که هر آنچه نوشته می‌شود، محو می‌گردد/ نخل (اشاره به بغداد) باقی می‌ماند در حالی که منتظر آسمان می‌باشد

بیروت و کابل

بیروت نماد مظلومیت، تنهایی، آسیب دیده از طغیان و تجاوزگری است و کابل تصویر فراموش شدگی، سستی و شکستی است که ظرفیت انقلاب و تغییر شرایط را

دارد(صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸). شاعر برای بیان مسائل و بحران‌های موجود در دنیا از بیروت و کابل نام برده که نماد چندپارگی، گم‌گشتگی و استعمارزدگی است.

سَيُولدُ الْإِنْسَانَ فِي الْمَلَجِ الْخَفِيَّةِ
سَيُولدُ الْإِنْسَانَ فِي بَغْدَادَ
فِي بِيروتَ، فِي كَابِلَ وَفِي الْمَقَابِرِ الْمُنْسِيَّةِ
سَيُولدُ مِثْلَمَا الطَّيُورُ
فِي الْغَابَاتِ وَالْوُدَيَانَ

(جمیل، ۱۹۸۸: ۱۴۱-۱۴۲)

- انسان‌هایی در پناهگاه‌های مخفی متولد خواهند شد/ انسان‌هایی در بغداد، بیروت، کابل و در گورستان‌های فراموش شده به دنیا خواهند آمد/ مانند پرنده‌گان در جنگل‌ها و دشت‌ها متولد خواهند شد

کرکوک

کرکوک، در نگاه شاعر نماد جنایت یعنی‌ها در کشتار ساکنان‌اش است(صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۷).

از نگاه جواد جمیل کرکوک به عنوان عراق کوچک، به بی‌نصیب نبودن این شهر از سرکوب حزب بعث که هموطنان‌گرد شاعر سکونت دارند، اشاره دارد:

يَتَعَالَى فِي افقِ كِرْكُوكَ لَوْنٌ
دَمُويٌّ وَلَوْعَةٌ وَبِكَاءٌ

(السنيدي، ۱۹۸۸: ۱۳۷)

- در افق رنگین کرکوک/ خون، اندوه و گریه بلند است

تهران

تهران، نماد انقلاب اسلامی و الگوی مبارزان انقلابی در عراق است(صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۸). جمیل در شعری به تهران و ضرورت تأسی از انقلاب ایران از سوی ملت عراق اشاره می‌کند و چنین می‌سراید:

ماذا ينفَعُ أن تسمعَ
صوتَ الثورةِ مِن طهرانَ
وتغلقَ كلَّ شبابيكِ البيتِ؟

(السنيد، ۱۹۸۶: ۳۰)

- چه سودی دارد/ که صدای انقلاب را از تهران بشنوی/ در حالی که همه دریاچه‌های خانه را می‌بندی؟
او در این شعر، مردم عراق را به انقلابی همانند انقلاب اسلامی ایران دعوت و تشویق می‌کند.

مسجد الأقصى

مسجد الأقصى، نماد اشغال و آوارگی به دست بیگانگان است (صدقی و زارع برمی، ۱۳۹۳: ۷۷). شاعر در شعر «موسم الريح والأشربة» با استفاده از این نماد، به رویدادهای فلسطین و مسجد الأقصى و به ویرانی مسجد الأقصى توسط صهیونیستها اشاره می‌کند و می‌گوید:
كُلُّهُم يَبْكُونُ حَزْناً
لاحتراقِ مسجدِ الأقصى
وهدمِ الصومعةِ

(السنيد، ۱۹۹۱: ۴۰)

- همه آنها در حالی که غمگین بودند گریه می‌کردند/ به جهت سوختن مسجد الأقصى/ و ویرانی عبادتگاه

نتیجه بحث

با تحلیل و بررسی سروده‌های جواد جمیل، نتایج بدست آمده از این پژوهش اثبات می‌کند:

جمیل شاعر متعهدی است که از گذشته بهره گرفت و به ارزش‌های گذشته وفادار ماند و از طرفی هم به حال پرداخته است و هم به آینده. وی با پیوند میان دین و ملیت،

هم برای وطن شعر گفته و هم از مظاهر ملی یاد می‌کند و هم به مسائل دینی می‌پردازد. *جواد جمیل* با اعتقاد و باوری که برای دفاع و پاسداری از آرمان‌های بلندش در راه مبارزه و رساندن فریاد حقانیت مردم عراق در مقابل رژیم بعثی داشت پا به عرصه شعر متعهد گذاشت و ثابت قدم و استوار در این مبارزه، باقی ماند. اشعار او رنگین‌کمانی از عشق حسینی و حماسه است که بر فطرت انسان‌های آزاده نقش می‌بندد و بر لوح زمان، جاودان می‌ماند.

جهت‌گیری شاعر از نظر محتوا بیش‌تر به سوی مضامین دینی و سپس مضامین سیاسی- اجتماعی و سیاسی- انتقادی است که اغلب این مضامین با صبغه دینی بیان شده است.

اشعار *جمیل* برخوردار از مضمون‌های برجسته شعر دینی از قبیل بیان فضیلت‌های *امام حسین(ع)*، پیوند میان دین و چالش‌های کنونی جهان اسلام، فراخوانی به بیداری و پایداری می‌باشد. شاعر به مدد بازخوانی وقایع تاریخی نظیر واقعه دلخراش کربلا بر آن است فرهنگ مبارزه علیه مستکبران و مستبدان را در دنیای عرب و به ویژه در کشور عراق گسترش دهد تا از این رهگذر، جهان را با مفهوم واقعی عدالت اجتماعی و سیاسی آشنا سازد. اعتقادات مذهبی شاعر نیز در خدمت اهداف مبارزه و قیام قرار می‌گیرد و بین حادثه کربلا و قیام عاشورا پیوندی دقیق با فضای استبدادی موجود در عراق در دوره حکومت مستبدانه بعثی‌ها و صلح برقرار می‌کند.

با بررسی‌ای که در مجموعه‌های شعری *جواد جمیل* انجام شد، آنچه جلب توجه کرده این است که شاعر، چندان روی عنوان‌های شعر خود کار نکرده است. این در حالی است که عنوان‌ها باید دروازه‌ای به شعر باشند؛ در حالی که *جمیل* برای عناوین شعرهای خود، شمارگان را برگزیده است. به عنوان مثال برخی از عنوان‌ها اینچنین است: دیدگاه نخستین / صحنه ششم / پیش‌گویی نهم. در این مجال، ضمن سرزنش شاعر باید گفت عنوان در شعر، به ویژه در عرصه نوگرایی و زبان نو از اهمیتی ویژه برخوردار است.

با توجه به فضای اختناق و تهدید و وحشت در عراق و همچنین برای تأثیرگذاری و زیبایی کلام، شاعر از نمادها برای بیان افکارش بهره می‌برد. او برای بیان مقاصد و مفاهیم مورد نظر شعر خود به زبان رمزی پناه می‌برد و در این راستا انواع نمادها را به

کار می‌بندد تا مفاهیم‌اش را تصویری کرده و در ذهن مخاطب جای دهد. بکارگیری نماد شیوه‌ای اختصارگونه است که با یک کلمه می‌توان دنیایی از مفاهیم ارائه داد چنانکه نام حسین یک دریا معرفت و مفهوم در خود گنجانده است.

جمیل علاوه بر مطالب شناخته شده نمادهای عمومی، از نمادهای شخصی که دارای معانی جدید است، استفاده کرده تا بتواند تصویر واضحی از افکار خود به ویژه اوضاع عراق در زمان رژیم بعث عراق ارائه کند. مانند اقتدا به /امام حسین(ع) و بیعت با شخصیت‌هایی مثل /امام خمینی و سیدمحمدباقر صدر و نمادهای مکانی و ابزاری.

یکی از موارد نوآوری که جواد جمیل در آثار خود ایجاد کرده، این است که معمولاً صفحه اهدای کتاب، صفحه‌ای خاص است که شاعران شیوه‌های مختلفی را برای خاص کردن آن تجربه کرده‌اند، اما در نهایت بیش‌تر، به تقدیم آن به شخصی خاص، به شباهت می‌رسند. در این میان، تنها جواد جمیل است که با نوآوری خاص خود، شیوه‌ای تازه و منحصر به فرد در تقدیم کتاب ایجاد کرد که به نظر نمی‌رسد شخص دیگری بتواند این تجربه را تکرار کند و در نهایت این شیوه، به نام او و فقط برای کتاب او «حسین، زبانی دیگر» در خاطره تاریخ ادبیات ثبت شد.

کتابنامه

- ابوحاقه، احمد. ۱۹۷۹م، **الالتزام فی الشعر العربی**، بیروت: دار العلم للملایین.
- انصاری، نرگس. ۱۳۹۲ش، حسین (ع) **زبانی دیگر**، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- پیشوایی علوی. ۱۳۹۵ش، «**تحلیل نمادهای پایداری در شعر صالح محمود هواری**»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت.
- جمیل، جواد. ۱۹۹۶م، **الحسین لغة ثانية**، چاپ اول، تهران: المجمع العالمی لأهل البيت (ع).
- حیدریان شهری، احمدرضا. ۱۳۹۶ش، «**خوانش نمادگرایی پایداری در مجموعه شعر گنجشک و جبرئیل و الحسین لغة ثانية**».
- روشنفکر، کبری و سجاد اسماعیلی و مرتضی زارع برمی. ۱۳۹۰ش، «**درونمایه‌های مقاومت در شعر جواد جمیل**»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۴.
- السنید، حسن. ۱۹۸۶م، **صدی الرفض والمشنقة**، طهران: معاوینة العلاقات الدولية فی منظمة الاعلام الاسلامی.
- السنید، حسن. ۱۹۸۸م، **أشیاء حذفتها الرقابة**، بیروت: دار الفرات للنشر والتوزیع.
- السنید، حسن. ۱۹۹۱م، **للتوار فقط**، بیروت: دار الفرات للنشر والتوزیع.
- السنید، حسن. ۱۹۹۱م، **یسألونک عن الحجارة**، بیروت: دار الفرات للنشر والتوزیع.
- شاملی، نصر الله و اصغر شهبازی. ۱۳۹۳ش، **حماسه حسینی در گستره ادبیات تطبیقی**، قم: مجمع ذخائر اسلامی مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان. ۱۳۸۵ش، **فرهنگ نمادها**، ترجمه سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- صدقی، حامد و مرتضی زارع برمی. ۱۳۹۳ش، «**تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق بر اساس اشعار حسن السنید**»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی.
- فتوحی، محمود. ۱۳۸۵ش، **بلاغت تصویر**، تهران: سخن.
- فلاحتی، صغری و مرتضی زارع برمی و حسین آشوری. ۱۳۹۴ش، «**دراسة الشعر الحسینی سیاسیاً؛ شعر حسن السنید نموذجاً**»، فصلیة دراسات الأدب المعاصر، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۵۱-۷۲.
- کوپر، جی سی. ۱۳۹۲ش، **فرهنگ نمادهای آیینی**، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: علمی
- لوشر، ماکس. ۱۳۷۶ش، **روان‌شناسی و رنگ‌ها**، ترجمه منیرو روانی پور، تهران: مؤسسه انتشارات فرهنگستان یادواره.

Bibliography

- Abohaqah, Ahmad (1979), *Commitment to Arabic Poetry*, Dar al-Ulm for millions, Beirut.
- Al-Saynid, Hasan: (1991), *Only Beethoven*, Beirut, Dar al-Fraatt lnshir and al-Tha.

- Al-Sounid, Hassan: (1986) Sadi al-Fadeh and Almanshqat, Tehran, the Assistant Secretary of the Supreme Council of the Islamic Republic of Afghanistan.
- Al-Sounid, Hassan: (1991), Yasalunk Anh al-Hajar, Beirut, Dar al-Farad Llanshir and Al-Thouzar.
- Ansari, Narges: (2013), Hussein (AS), another language, Tehran. Ashura Cultural Complex.
- Cooper, JC (2013), Religious Symbols Culture, Translation by Roghigh Behzadi, Tehran, Scientific.
- Falahati, Soghra and Morteza Zare Barmi and Hossein Asouri (2015), Politics in the poetry of Al-Sha'r al-Husseini, Hassan al-Sinid Nemozja's poem, Al-Udas al-Mu'aser, seventh edition, No. 27, 51.
- Fotouhi, Mahmoud: (2006) Rollover of Image, Tehran, Speech
- Heidarian Shahri, Ahmad Reza: (2017), Reading the Symbolism of Stability in the Songs and Gibreel and Al-Hussein's Dictionary.
- Jameel, Jawad: (1996), Hussein's Second Language, World Assembly of the House of Commons, First Chip.
- Losher, Max (1997), Psychology and Colors, Mounir Roanipour, Tehran Publishing Company.
- Pishvaei Alavi, Mohsen (2016), Analysis of the Symbols of Stability in Salih Poetry Mahmoud Hawari, Literary Criticism and Rhetoric Research.
- Roshanfark, Kobra Â-Sajjad Isma'ili and Morteza Zare-Abrami (2011), Resistance themes in poetry Javad Â-Javil, Literature and Sustainability Journal of Kurdistan Shahid Bahonar University, No. 4.
- Sadiqi Hamed and Morteza Zare Barmi (2014), Analysis of Symbols of Protest Poetry in Contemporary Iraqi Literature Based on Hassan Al-Snayd's Poems, Iranian Journal of Arabic Language and Literature.
- Shamly, Nasrallah and Asghar Shahbazi (2014), Hosseini's epic in the field of comparative literature, Qom. Islamic Reserve Assembly. Institute for the History of Science and Culture.
- Shawalie, Jean and Alan Gheberran (2006), Symbolic Culture, Translated by Soodabeh Fazaeli, Tehran, Jiahonom Publications.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی